

# آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور



نقل از شماره ۱۵۲۳۳ - ۱۳۷۶/۳/۳۱  
روزنامه رسمی

شماره ۱۸۹۸ هـ ۱۳۷۶/۳/۳

پرونده وحدت رویه ردیف: ۲۰/۷۵

هیئت عمومی

حضرت آیه ا... محمدی گیلانی ریاست

محترم دیوان عالی کشور

باعرض سلام و تحیت:

احتراماً: آقای رئیس شعبه دوم محاکم عمومی توپسرکان طی شرحی به پیوست تصویر آراء صادره از شعب ۱۹ و ۳۰ دیوان عالی کشور اعلام داشته در مورد اعتراض به آراء صادره از اداره تحقیق اوقاف و امور خیریه کرمانشاه و در خصوص صلاحیت رسیدگی به دعوی مذکور از طرف شعب دیوان عالی کشور آراء متهاافت صادر گردیده است بدین جهت تقاضای طرح موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد شده است بنابراین مراتب به شرح آتی باملاحظه پرونده های مربوطه جریان موارد مذکور معروض می شود.

۱- طبق محتویات پرونده کلاسه ۸۲۷/۷۴

مدنی شعبه ششم دادگاه عمومی کرمانشاه آقای علی مؤمنی دادخواستی به طرفیت اداره اوقاف استان کرمانشاه به خواسته اعتراض و تقاضای حل اختلاف نسبت به رأی شماره ۱۲۳-۷۳/۵/۹ صادره از اداره تحقیق اوقاف کرمانشاه در پرونده ۴۱۱-۷۳ در خصوص موقوفه حاجی حسنعلی بیگ به دادگاه عمومی کرمانشاه تقدیم و خواستار صدور حکم به نفع خود گردیده است و شعبه مذکور به شرح قرار شماره ۱۲۳۱-۷۳/۷/۲۷ مستنداً به ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی و این که رقبات موقوفه در شهرستان توپسرکان واقع شده قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت دادگاه عمومی توپسرکان صادر و پرونده را به مرجع مذکور ارسال داشته که به شعبه دوم ارجاع و این دادگاه نیز به موجب قرار شماره ۲۴۲-۷۳ و باین استدلال که چون موضوع دادخواست اعتراض به نظریه واحد تحقیق سازمان اوقاف کرمانشاه بوده نه دعوی در خصوص مال غیر منقول موضوع از مصادیق ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیست رسیدگی به اعتراض رادر صلاحیت

دادگاه عمومی کرمانشاه دانسته است که باتحقق اختلاف پرونده جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال و به شعبه ۱۹ ارجاع و شعبه مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۹/۷۴/۵۵-۷۴/۲/۲۵ چنین رأی داده است. بسمه تعالی: باتوجه به محتویات پرونده و خواسته که حق ارتزاق و قرار گرفتن خواهان در عداد موقوف علیهم است قرار ۴۴۲-۷۲ صادره از ناحیه دادگاه توپسرکان تأیید و با اعلام صلاحیت دادگاه عمومی کرمانشاه حل اختلاف می شود.

۲- طبق محتویات پرونده ۲۷۸-۷۴ شعبه دوم دادگاه عمومی توپسرکان، آقای متولی موقوفه مرحوم حسنعلی بیگ باتعین وکیل دادخواستی به طرفیت بانو مومنی به خواسته اعتراض به نظریه ۱۷۹-۷۲/۶/۱۱ صادره از اداره تحقیق اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه تقدیم دادگاه عمومی کرمانشاه نموده و تقاضای صدور حکم بر ابطال نظریه فوق را نموده است و بالاخره دادگاه مذکور مستنداً به ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت دادگاه

مدنی خاص شهرستان تویسرکان صادر و پرونده رابه مرجع مذکور ارسال و دادگاه عمومی تویسرکان نیز به موجب قرار شماره ۱۷۴-۱۰/۱۲/۷۳- بااین استدلال که دعوی مطروحه مربوط به عین موقوفه و حقوق مربوط به آن نبوده و رسیدگی به نظریه های هیئت تحقیق اوقاف و امور خیریه کرمانشاه در صلاحیت محاکم عمومی همان شهرستان می باشد قرار عدم صلاحیت خود رابه اعتبار صلاحیت رسیدگی محاکم عمومی کرمانشاه صادر و بانحقوق اختلاف پرونده به دیوان عالی کشور جهت حل اختلاف ارسال گردیده است و شعبه ۳۰ دیوان عالی کشور نیز به موجب دادنامه شماره ۳۰/۱۰۰۲-۷۳/۱۲/۱۳ چنین رأی داده است. قطع نظر از صلاحیت اداره تحقیق اوقاف کرمانشاه در رسیدگی به موضوع اصولاً چون دعوی مربوط به موقوفه است که در حوزه قضایی شهرستان تویسرکان قرار دارد علیهذا باتأیید نظریه دادگاه عمومی کرمانشاه ادامه رسیدگی به دادگاه مدنی خاص تویسرکان محول می شود و بدینوسیله حل اختلاف می گردد. بنا به مراتب به شرح ذیل اظهار نظر می شود:

نظریه: همان طور که ملاحظه می فرمایید در مورد صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به دعوی اعتراض به نظریه صادره از اداره تحقیق اوقاف استان کرمانشاه از طرف شعب دیوان عالی کشور و با استنباط از ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی آرا متهافتی صادر گردیده بدین توضیح که شعبه ۳۰ دیوان عالی کشور باتوجه به این که دعوی مربوط به موقوفه است که در تویسرکان واقع شده است مستنداً به ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه عمومی تویسرکان راصالح به رسیدگی دانسته در حالی که شعبه ۱۹ دیوان مزبور برعکس و بااین استدلال که چون موضوع دعوی قرار گرفتن خواهان در عداد موقوف علیهم است نه در خصوص مال غیر منقول و در واقع اقامه

دعوی علیه اداره اوقاف نیز می باشد موضوع را از مصادیق ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی خارج و دادگاه عمومی کرمانشاه راصالح به رسیدگی تشخیص داده اند. بنا به مراتب فوق تقاضا دارد مستنداً به ماده واحده مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ موضوع رادر هیئت عمومی محترم دیوان عالی کشور جهت اتخاذ رویه مطرح فرمایند. معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری

به تاریخ روز سه شنبه: ۱۳۷۵/۱۰/۱۸ جلسه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیه ا. محمد محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جناب آقایان رؤسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر: «برابرسوابق امر، در پرونده های مطروحه به نظریه اداره تحقیق اوقاف کرمانشاه اعتراض شده است ولی چون ملک موقوفه در حوزه قضایی شهرستان تویسرکان قرار دارد و ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح دارد دعوی راجع به اموال غیر منقول و سایر حقوق راجعه به آن بایستی در دادگاهی اقامه شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع شده است و دعوی مطروحه نیز در رابطه با حقوق مربوط به ملک مورد وقف می باشد. علیهذا دادگاه تویسرکان صالح به رسیدگی بوده و رأی شعبه سی ام دیوان عالی کشور موجه به نظر می رسد و معتقد به تأیید آن می باشم.» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده اند.

رأی شماره: ۶۱۲-۱۳۷۵/۱۰/۱۸

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان

### عالی کشور

به موجب ماده ۱۶ آیین نامه قانونی کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف مصوب ۶۵/۹/۳۰ ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و همچنین اشخاص ذینفع که آراء هیأت تحقیق رابه ضرر خود تشخیص می دهند می توانند در دادگاههای دادگستری اقامه دعوی نمایند و چنین دعویایی که به طرفیت متولی موقوفه و یا ادارات اوقاف و یا اشخاص، طرح می گردد تابع قواعد عمومی راجع به دعاوی حقوقی است و ملازمه با محل استقرار شعب تحقیق صادر کننده رأی ندارد و چون موقوفات مربوط به دعوی مطروحه در حوزه قضایی تویسرکان واقع اند رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم همان محل است لذا رأی شعبه سی ام دیوان عالی کشور که بااین نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضا هیئت عمومی دیوان عالی کشور صحیح تشخیص و مورد تأیید می باشد. این رأی به استناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

نقل از شماره ۱۵۲۶۳ - ۱۳۷۶/۵/۶

روزنامه رسمی

شماره ۱۹۱۷ - ۵

۱۳۷۶/۴/۷

پرونده وحدت رویه ردیف ۵/۷۶ هیئت عمومی

حضرت آیه ا. محمدی گیلانی ریاست

معظم دیوان عالی کشور

احتراماً به استحضار می رساند: سرپرست

مجتمع قضایی ویژه تهران طی شماره

۷۵/۱۰/۲۴ - ۲۰/۱۸۸۶۲/۷۵ به پیوست آراء

صادر از شعب ۲ و ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان

تهران طی شرحی اعلام داشته از طرف شعب

مذکور در موضوع واحد آراء مختلف صادر

گردیده و تقاضای طرح موضوع رادر هیئت

عمومی دیوان عالی کشور نموده است. اینک

جریان پرونده های مربوطه معروض می گردد.

۱- طبق محتویات پرونده کلاسه ۳۱۸/۲۸/۷۴ شعبه ۲۸ دادگاه عمومی تهران: در تاریخ ۱۷/۶/۳۱ اداره حقوقی بانک مرکزی شکایتی به طرفیت آقای علیرضا بناری اردوقی دائر به تخلف از مقررات ارزی موضوع یک فقره پیمان ارزی به شماره ۴۹۴۳-۶۹ به مبلغ ۲۰۶۸۳ دلار و عدم فروش ارز حاصل از صادرات به بانکهای مجاز کشور مطرح و تقاضای تعقیب کیفری متخلف رامستنداً به مواد ۷ و ۵ از قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب ۳۶/۱۲/۲۴ نموده است شعبه ۲۸ دادگاه عمومی تهران پس از رسیدگی به موجب دادنامه شماره ۴۳۱-۷۵/۷/۱۴-۳۱ باین استدلال که: مستنداً به ماده یک قانون صادرات و واردات مصوب ۷۲/۴/۷ و قید این که کلیه قوانین مغایر بآن لغو بوده و براساس ماده ۱۳ همان قانون کلیه کالاهای صادراتی کشور به جز نفت و فرآورده های آن از هرگونه تعهد پیمان ارزی معاف است و باتوجه به ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی که اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرائم سابق بوضع آن قانون تصادور حکم قطعی مؤثر خواهد بود و اگر عملی در گذشته جرم بوده و به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود. در این صورت حکم قطعی اجراء نخواهد شد و همچنین مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی به لحاظ عدم احراز وقوع بزه حکم بربرائت متهم صادر و اعلام کرده است و باتجدیدنظرخواهی بانک مرکزی پرونده به شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارجاع و به شماره ۲۵-۲-۱۰۳۸ ثبت و این دادگاه به موجب دادنامه ۱۰۳۲-۷۵/۹/۷-۱ چنین رأی داده است.

رأی: در خصوص تجدیدنظرخواهی

بانک مرکزی ازدادنامه ۴۳۱-۷۵/۷/۱۴ شعبه ۲۸ دادگاه عمومی تهران نظریه این که دادنامه تجدیدنظرخواسته وفق مقررات قانونی اصدار یافته و متضمن اشتباهی که به اساس حکم لطمه وارد سازد نمی باشد و اعتراض تجدیدنظرخواه باهیچیک از شقوق مندرج در ماده ۲۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب منطبق نمی باشد فلذا ببارد اعتراض تجدید نظرخواه دادنامه تجدیدنظر خواسته مستنداً به ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب تأیید و استوار می گردد رأی صادره قطعی است.

۲- طبق محتویات پرونده کلاسه ۱۹۰/۲۸/۷۴ شعبه ۲۸ دادگاه عمومی تهران: در تاریخ ۷۰/۱۰/۲۲ اداره حقوقی بانک مرکزی شکایتی به طرفیت آقای حسین مسکین شیرازی دائر به تخلف از مقررات ارزی موضوع ۱۳ فقره پیمان ارزی جمعاً به مبلغ ۴۴۷۶۲ دلار مربوط به سالهای ۶۷ و ۶۸ و عدم فروش ارز حاصل از صادرات به بانکهای مجاز کشور مطرح و مستنداً به مواد ۷ و ۵ از قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب ۳۶/۱۲/۲۴ تقاضای تعقیب کیفری متهم رانموده است و باارجاع پرونده به شعبه ۲۸ دادگاه عمومی پس از رسیدگی به موجب دادنامه شماره ۳۸۳-۷۵/۶/۱۲-۳۱ باین استدلال که مستنداً به ماده یک قانون صادرات و واردات مصوب ۷۲/۴/۷ و قید این مطلب که کلیه قوانین مغایر بآن لغو بوده و براساس ماده ۱۳ همان قانون که کلیه کالاهای صادراتی بجز نفت خام و فرآورده های پایین دستی آن که تابع مقررات خاصی است از هرگونه تعهد پیمان ارزی معاف است و باتوجه به ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی که حاکمی است اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده یا از جهات

دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرائم سابق بوضع آن قانون تصادور حکم قطعی مؤثر خواهد بود و اگر عملی در گذشته جرم بوده و به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود در این صورت حکم قطعی اجراء نخواهد شد و نیز مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی به لحاظ عدم احراز وقوع بزه حکم بربرائت متهم فوق صادر و اعلام کرده است و باتجدیدنظرخواهی اداره حقوقی بانک مرکزی از رأی مذکور پرونده به شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارجاع و به کلاسه ۲۲/۷۵/ت ۳۳۵ ثبت گردیده و این دادگاه پس از رسیدگی به شرح دادنامه شماره ۳۷۰-۷۵/۱۰/۴-۳۱ چنین رأی داده است. رأی دادگاه در خصوص تجدیدنظرخواهی اداره حقوقی بانک مرکزی نسبت به دادنامه ۳۸۳-۷۵/۶/۱۲-۳۱ شعبه ۲۸ دادگاه عمومی تهران به موجب دادنامه معترض عنه حسین مسکین شیرازی از اتهام تخلف از مقررات ارزی موضوع ۱۳ فقره پیمان ارزی جمعاً به مبلغ ۴۴۷۶۲ دلار به استناد ماده ۱۳ از قانون صادرات و واردات مصوب ۷۲/۴/۷ و لحاظ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ برائت حاصل نموده است، نظریه این که به موجب قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مقررات مذکور در این ماده در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده قابل اعمال نیست و به موجب بند ج از ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد یا تضمین پرداختهای ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار و از وظایف بانک مرکزی است و به موجب ماده ۲۹ از قانون اخیرالذکر بانک مرکزی ایران در هر مورد که مصلحت اقتصادی و ارزی کشور ایجاب کند می تواند با تصویب هیئت وزیران صادر کنندگان یک یا چند نوع کالا

را از سپردن پیمان ارزی معاف نماید که مواد ۱۱ و ۲۹ از قانون پولی و بانکی و رویه جاری و عملی در خصوص سیاست های ارزی مؤید آن است که مقررات و قوانین ارزی تابع مصالح اقتصادی و ارزی کشور است و بر حسب اوضاع و احوال و موارد خاص متغیر است و مؤید این موضوع این است که به موجب مصوبه ۷۴/۲/۲۷ هیئت وزیران که به استناد بند ۶ از قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام (بند ۱) صادر شده. هنگام صدور کالا و خدمات کلیه صادرکنندگان موظف به سپردن تعهد برای بازگرداندن صد درصد ارز حاصل از صادرات کالا و خدمات در موعد مقرر می باشند و به موجب بند ۲ آن مصوبه صادر کننده ملزم به فروش ارز حاصل از صادرات به بانکهای دولتی گردیده و مضافاً ماده ۱۳ از قانون مقررات صادرات و واردات مصوب سال ۱۳۷۲ در مقام بیان جرم تلقی نکردن عمل و موضوع نبوده بلکه تصریح به عدم لزوم پیمان و تعهد ارزی در صدور کالا در آیه نموده و مآلاً ماده قانونی اخیرالذکر و ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ منصرف از موضوع بوده و بپذیرش و وارد دانستن تجدید نظر خواهی به عمل آمده از سوی اداره حقوقی بانک مرکزی و با عنایت به این که شکایت و ادعای بانک ملی علیرغم احضار تجدید نظر خوانده به وسیله آگهی مطبوعات مصون از تعرض و تکذیب مانده است نتیجتاً با انقض دادنامه مستأنف عنه تجدید نظر خوانده رابه استناد ماده ۷ و ۵ از قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب ۲۴ اسفند ماه ۱۳۳۶ به پرداخت مبلغ ۴۴۷۶۲ دلار اصل مبلغ مورد تعهد و معادل ریالی پنجاه درصد آن به عنوان جزای نقدی به نفع خزانه محکوم می نماید.

این رأی مطابق مواد ۲۰ و ۲۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب صادر و قطعی است.

اینک باتوجه به مراتب مذکور به شرح ذیل مبادرت به اظهار نظر می نماید:

**نظریه:** همان طور که ملاحظه می فرمایید از طرف شعبه دوم و بیست و دوم دادگاه تجدیدنظر استان در موضوع مشابه و در استنباط از مواد قانونی آرا مختلف صادر گردیده است. بنابه مراتب فوق و در اجرا به استناد ماده ۳۰ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه سال ۱۳۳۷ تقاضای طرح موضوع رادر هیئت عمومی محترم دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد می نماید.

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۶/۳/۶ جلسه وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر، باتوجه به بندج ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ ترتیب مربوط به معاملات ارزی از جمله تعهد یا تضمین پرداخت های ارزی بنابه تصویب شورای پول و اعتبار از وظایف خاص بانک مرکزی ایران پیش بینی گردیده است و ماده ۲۹ همین قانون تصریح بر این دارد که بانک مرکزی ایران می تواند بنابه مصلحت اقتصادی و ارزی با تصویب هیئت وزیران صادر کنندگان کالا را از سپردن پیمان ارزی معاف نماید و رویه معمول به بانک مرکزی هم

بر همین منوال است. همچنین در مقررات مربوط قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب سال ۱۳۳۶ هم همین مراتب پیش بینی شده است، مضافاً به اینکه هیئت وزیران با استفاده از مقررات ماده ۶ قانون تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام صادر کنندگان کالا را موظف به سپردن پیمان ارزی و بازگرداندن ارز حاصل از فروش کالای صادراتی نموده است. بنابراین مقررات مربوط به قانون صادرات و واردات مصوب سال ۱۳۷۲ ناظر به وظایف خاص بانک مرکزی ایران در قسمت پیمانهای ارزی نسبت به کالاهای صادراتی نمی باشد و رأی شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که بر این اساس صادر شده موجه به نظر می رسد و معتقد به تأیید آن می باشم. مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده اند.

## ماهنامه حقوق و اجتماع

### هشتمین شماره ماهنامه

### حقوق و اجتماع منتشر شد.

در این شماره که مربوط به خوردن و نین

۱۳۷۷ است این مطالب را می خوانیم

۱- دفاع درست از حقوق بشر

محمد حسن هاشمی فرد

۲- مهریه به نرخ روز

دکتر عباس کریمی

۳- چک تضمینی، چک و عهددار

محمد باقر کریمی

۴- قصاص با اسید آرش صادقیان

۵- فریاد ناتوانی آرمین قاضی زاد

۷- فریاد خسرت در کشاکش مناطق

قدرت احمدیان

این ماهنامه در ۸۴ صفحه و به قیمت

۲۰۰ تومان هر هفته در مکان قرار گرفت.